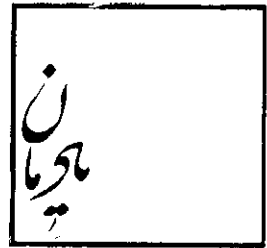




■ قانون از نگاه مدرس مطالعات فرهنگی
■ هفت رویداد از منظر هفت سند تازه
پرتال جامع علوم انسانی



■ قانون از نگاه مدرس

محمد رضا زمانی درمزاری

قانون‌گرایی و قانون‌مندی است و ما با توجه به صورت مذاکرات مجلس، برآنیم که این امر را بنمایانیم. به همین منظور مروری اجمالی بر عملکرد این مجلس دوم مشروطه (که نخستین دوره نمایندگی شهید مدرس می‌باشد) داشته و آن‌گاه به تجزیه و تحلیل جهت‌گیری‌ها و خط‌مشی‌های مدرس در این مورد در مجلس مزبور می‌پردازیم.

۱- قانون‌گرایی و قانون‌مندی در دوره دوم مجلس شورای ملی
مجلس دوم، در اول ذی‌قعدة ۱۳۲۷ (۲۳ آبان ۱۲۸۸) با نطق «احمد شاه» افتتاح شد، ولی جلسه رسمی آن در این دوره، در دوم

پیش‌نوشتار

قانون‌گرایی و قانون‌مندی دو اصطلاح نزدیکی به هم، اما در دو معنی و مفهوم متفاوت‌اند. ارتباط بین این دو به مانند ارتباط بین نظر یا تئوری و عمل یا کارکرد است. بسدین معنی که قانون‌گرایی به مفهوم قانون‌گرا بودن در مقام نظر و قانون‌مندی در مقام عمل و اجرا، تبلور می‌یابد. لازمه قانون‌مندی، قانون‌گرایی و اعتقاد و باور به آن است. فرد یا جامعه قانون‌مند در واقع، به عنوان فرد یا اجتماعی قانون‌دار نیز تلقی می‌گردند. بنابراین، جامعه یا فردی قانون‌مند است که قانون را به مدد‌گرایش به قانون به مرحله اجرا گذارده و آن را محقق سازد.
شهید مدرس، مصداق نظری و عملی

ذیقعدۀ ۱۳۲۷ (۲۴ آبان ۱۲۸۸) با حضور ۶۱ نفر از نمایندگان ملت تشکیل یافت و به انتخاب هیئت رئیسه خود پرداخت و رسماً به «عضدالملک» در مقام نیابت سلطنت رأی داد. گفتنی است که به لحاظ ترکیب و بافت داخلی مجلس، نمایندگان و تحصیل کردگان فرنگی آن با توجه به فرهنگ پارلمانی غرب، به دو دسته تقسیم می شدند: گروه تندروها در زیر لوای حزب دمکرات و میانه روها در زیر علم حزب اعتدال.^۱

با تشکیل دو حزب اعتدال و دمکرات و با اصرار «ناصرالملک» (نایب السلطنه)، نمایندگان وابسته به هرکدام از این دو حزب به وسیله سرگروه (لیدر) آنان معرفی شدند و اقلیت و اکثریت مجلس رسمیت یافت. ناگفته پیداست در مجلس دوم که نمایندگان هنوز مناسبات پیچیده سیاسی را در حد معمول تجربه نکرده و اصولاً ملت ایران به خاطر گذراندن دوران تاریخی خود در زیر شمشیر بی رحم استبداد، درک صحیحی از این گونه مسائل سیاسی نداشتند، نمی توانستند لباس حکومت مشروطه را از روی الگوهای پیشرفته پارلمانی و حکومتی ممالک اروپایی درآورند. لذا با دو نیمه شدن نامتعادل مجلس، نمایندگانی که مجوز قانون اساسی و تفکر ملی و مذهبی همراه با آرمان های آزادی خواهی در مرکز دایره حکومت و سیاست آنها را به هم پیوند داده بود، از هم جدا شده و پیامدهای این تحزب نابجا، ایجاد خونریزی، کشتار زعمای

مشروطه، کثرت گرایی و واگرایی و... شد. در همین اوضاع و احوال بود که آیات عظام «خراسانی» و «مازندرانی»، تلگرافی به نایب السلطنه (ناصرالملک) مخابره نموده و ضمن گوشزد کردن آثار شوم تعدد، تشتت و اختلاف در جامعه، از وی برای ایجاد یگانگی و تلاش جهت رفع این افتراقات، دعوت به عمل آوردند.^۲ با این وجود، مجلس دوم که با تکیه به اصل دوم متمم قانون اساسی و مطابق قانون اساسی تشکیل شده بود،^۳ در مقابله با حوادث پنهان و پیدایی که هریک به نحوی بر ارکان مشروطیت تأثیر نامطلوب گذارده و آن را سخت متزلزل و ناتوان کرده بود، با صداقت و نیت خیر تشکیل یافته و به قول مدرس مردانه ایستاد و مقاومت کرد:

«یا از روی صداقت، یا از روی ایمان،
یا به خاطر وطن خواهی و دیانت شان،
در مقابل سختی ها مردانه ایستادند و
مقاومت کردند.»

مجلس دوم تازمانی که سیاست های ریاکارانه در درون آن رخنه نکرده بود، مصدر امور خیر بود و به ارکان مشروطیت به

۱. علی مدرس، «مدرس، مجلس، تاریخ»، مجلس و پژوهش، شماره ۶، ص ۲۲۴-۲۲۶.

۲. متن این تلگراف در اول ربیع الثانی ۱۳۲۹ در مجلس شورای ملی قرائت شد.

۳. اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطه مقرر می داشت: «جهت مراقبت در عدم مخالفت قوانین موضوعه با احکام شرع، ۲۰ نفر از مجتهدین عارف به مقتضیات عصر به مجلس معرفی شود و پنج نفر یا بیشتر به اکثریت آرا به قید قرعه از ایشان انتخاب و به تصویب برسند.»

نجف و بازگشت به اصفهان^۲، جدا از مبارزه با مفاسد و بیدادگری‌های اعیان، رجال سیاسی و متنفذان این شهر، به امور خیریه و کارهای عمرانی عدیده‌ای در آن ایالت می‌پرداخت. به همین سبب، در سال ۱۳۲۸ ق که به عنوان یکی از پنج نفر علمای طراز اول برای شرکت در دوره دوم مجلس شورای ملی انتخاب شد، از عزیمت به تهران و شرکت در جلسات مجلس امتناع کرده و با پایان یافتن کار عمران و آبادی منطقه به ویژه روستای «اسفه»^۳ مقدمات سفر تاریخی خود را به تهران فراهم ساخت. افتتاح دوره دوم مجلس شورای ملی در حقیقت، گشایش میدان مبارزه پارلمانی و سیاسی برای مدرس بود. این نایب بزرگ وقتی قدم به ساحت مجلس گذاشت، همه گمان می‌کردند لابد یکی از علمای معمولی است و با آن‌که آوازه مبارزات او را در اصفهان کم و بیش شنیده بودند، نمی‌توانستند باور کنند که این سیدلاغر با عصای چوبی و لباس کرباسی، به زودی تمام عوامل قدرت را به چنگ آورده و عظمت و نبوغ خود را در راه حفظ آزادی و آرمان‌های والای انسانی و اسلامی بروز خواهد داد.^۴ مدرس در جلسه ۱۹۵

ویژه قانون اساسی، استقلال و آزادی وفادار ماند، استبداد را در هم شکست و در مقابل تهاجم پیاپی آن ایستاد.^۱ بنابراین، اعتقاد و باور نمایندگان به قانون‌داری و تعهد و مسئولیتی که در قبال آن احساس می‌کردند، آنان را وا می‌داشت که در مقابل طرح یک اصل یا ماده قانونی، بی‌چون و چرا سرتعظیم فرود آورده و از آن تبعیت نمایند. به طور کلی، محتوای مذاکرات نمایندگان مجلس این دوره حکایت از تعقیب دو هدف عمده توسط آنها دارد؛ حفظ قانون و اجرای آن. تلاش و فعالیت نمایندگان و مساعی آنها در راه اجرای قانون، حرمت و تقدیس قانون اساسی، یعنی حفظ و صیانت این دستاورد انقلاب مشروطه در هر شرایطی، عالی‌ترین آرمان، وظیفه و هدف مقدس ملی محسوب می‌گردید. نمایندگان مجلس دوم با شدت و حدت تا زمانی که «ناصرالملک» (نایب السلطنه)، مجلس را تعطیل کرد (زمان اولتیماتوم)، به حرمت و مراعات قانون اساسی و سایر قوانین پافشاری می‌کردند. بنابراین، بررسی مختصر و اجمالی فوق به خوبی نشان دهنده اعتقاد و باور نمایندگان مجلس دوم به قانون‌داری و التزام و تعهد آنها به قانون‌مندی در عرصه عمل است.

۲- قانون‌گرایی و قانون‌مندی از دیدگاه

مدرس

مدرس پس از اتمام تحصیلات خود در

۱. مجلس و پژوهش، ش ۱۱، ص ۱۹۵-۱۹۴.

۲. همان.

۳. «اسفه»، دهکده‌ای است در راه اصفهان و شهر رضا که فاصله‌اش تا اصفهان ۷۲ و تا شهرضا ۱۲ کیلومتر است.

۴. علی مدرس، مرد روزگاران (مدرس شهید نایب ملی ایران)، (تهران، نشر هزاران، ۱۳۷۴)، چاپ دوم، ص ۴۶.

«عاقل تا بصیرت پیدا نکند، صلاح نیست که صحبت کند».^۲

این در واقع نخستین سخن او در اولین نطقش در مجلس شورای ملی بود که بیانگر شخصیت بارز و ارزش‌های اعتقادی او بود و کلمات «عاقل»، «بصیرت»، «صلاح» و «صحبت» چنان کنار هم چیده شده بودند که همه را متوجه خردگرایی او نمود. دفترها گشوده شد تا برای این مجتهد طراز اول، حسابی دیگر باز شود. سخنش حکایت از عمل بود و نه حرف و شعار. وی ضمن مطرح کردن اصل تعقل و تفکر، در واقع به نمایندگان مجلس اشاره داشت که معرفت، پایه، اساس و لازمه هر تفکر، تصمیم و عملی است و مجلس شورای ملی به عنوان خانه ملت و پایگاه تبلور اراده ملی دارای چنان جایگاهی است که تصمیمات آن باید مبتنی بر عقل و تدبیر باشد و به همین سبب است که در همان جلسه در مورد چگونگی و اهمیت مسئله قانونگذاری بیان می‌دارد:

«عرض می‌کنم که به بعضی موضوعات اطلاع کامل نداشتن و در عرض پنج دقیقه، هی برخاستن و نشست، این طریق وضع قانون مملکت نیست. باید اطرافش را تأمل کرد و بی دلیل رای نداد».^۳

عبارت فوق به خوبی بیانگر آگاهی و

مجلس شورای ملی حضور یافت. جلسه به ریاست «ذکاءالملک فروغی» تشکیل شد و رئیس مجلس در آغاز گفت:

«خدمت آقای مدرس با کمال مسرت به جهت ورودشان به مجلس شورای ملی عرض تبریک می‌گویم، به موجب قانون اساسی مراسم قسم را به عمل آورند».^۱

مدرس هم ضمن اظهار تشکر به محل نطق آمده و مطابق قسم‌نامه مقرر در اصل ۱۱ قانون اساسی، سوگند یاد نمود و ورقه قسم را امضا کرد. پس از انجام این مراسم، مدرس رسماً به عنوان طراز اول علمای عضو مجلس شورای ملی مشغول به کار شد. در مدتی که در جلسات حضور می‌یافت، جو حاکم بر مجلس و روحیه نمایندگان و جریان‌های سیاسی را به دقت بررسی می‌کرد. وی به عنوان یک شخصیت روحانی طراز اول و مجتهد ناظر بر قوانین مجلس بر کرسی وکالت نشست، در حالی که بنا به گفته خودش، کار اصلی او تدریس در مدرسه سپهسالار بود و سیاست، کار دوم او محسوب می‌شد.

۲-۱- اهمیت و جایگاه قانونگذاری

جلسه ۲۰۰ مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۹ محرم ۱۳۲۹ به ریاست «متین السلطنه» (نایب رئیس مجلس) تشکیل شد. به هنگام نطق مدرس، نمایندگان به خوبی اندام استخوانی و رشید او را از پشت تریبون تماشا کردند که چنین لب به سخن گشود:

۱. مذاکرات مجلس (دوره دوم تقنینیه)، قسمت دوم، ص ۷۷۱

۲. همان، ص ۸۲۲

۳. همان، ص ۸۲۲

فرموده‌اند اسباب تعلیق مطلب در هر امری می‌شود و امورات کلیه پارلمان در بوثه اجمال و تعویق می‌افتد... البته از این ۲۰ نفر می‌میرند، استعفا می‌دهند، نباید امور مملکت را معطل کرد و این مسئله باید عقب نیفتد تا زمانی که تعیین بفرمایند و ملاحظه بفرمایند که هر عصری مثل این عصر است...»^۳

منظور وی از بیان عبارات فوق این است که امور مملکت و تکلیف و تعهد مجلس، امری بسیار مهم و در عین حال اجتناب‌ناپذیر بوده و تعطیل بردار نیست و با وجود آن که اصل دوم پیشنهادی بر ممتنع قانون اساسی، نظارت هیئت علما را بر عدم مغایرت قوانین با قانون اساسی و احکام شرع پیش‌بینی و مقرر می‌دارد، اما فرض مهم وی این است که در صورت عدم حضور (وجود) این هیئت به هر دلیلی (اعم از فوت، استعفا،...)، نباید از پرداختن به امور، آن هم امور مملکتی، پارلمانی و مردمی خودداری کرد.

۲-۲- اهمیت مجلس

وی در جلسه ۲۰۲ مورخ ۲۴ محرم الحرام ۱۳۲۹، ضمن دعوت نمایندگان مجلس به اتحاد در عین اختلاف در سلیقه، برای حفظ اساس مشروطیت و اسلام و بیان این

درایت مدرس نسبت به اهمیت قانون و قانونگذاری و نیز تأثیر و پیامدهایی است که ممکن است این امر در جامعه داشته باشد و چون خود را وکیل و نماینده مردم تلقی می‌کند و نظر به مسئولیت و تعهدی که در این زمینه احساس می‌نماید، لذا معرفت، آگاهی، تعقل و محاسبه‌گری را از شرایط لازم و ضروری در امر تدوین و تبیین قانون می‌داند؛ چرا که نتایج حاصله گریبانگیر مردم (موکلان وی) خواهد شد. بنابراین، از همان ابتدا سعی در القای روند عقلی-علمی در جهت قانونگذاری و نهادینه کردن این امر در مجلس شورای ملی و در بین نمایندگان دارد. مدرس در همان جلسه، نمایندگان مجلس و جامعه را متنبه و آگاه می‌سازد که هر ضرر و فساد، تابع علت و دارای ریشه و اساسی است و باید برای رفع آن، ریشه و اساسش را از میان برداشت:

«اگر می‌خواهید خدمت به ملتتان کنید

ببینید کجای کار عیب دارد، همان جا

را رفع کنید»^۱

مدرس در عین حال که تأکید بر تدوین و وضع قانون مبتنی بر عقل و تأمل دارد، بر ضرورت تسریع در امر قانونگذاری و جلوگیری از به تعویق افتادن امور مملکت و ملت نیز اصرار می‌ورزد. به همین دلیل، در جلسه ۲۰۱ در باب ضرورت انتخاب هیئت پنج نفره طراز اول از سیاهه ۲۰ نفره پیشنهادی مراجع نجف اظهار می‌دارد:

«...این صحبت‌هایی که آقایان

۱. همان.

۲. محرم الحرام ۱۳۲۹.

۳. مذاکرات مجلس (دوره دوم تفتنیه)، پیشین، ص

مسلم، عالم طراز اول و نماینده منتخب علمای جهان تشیع و وکیل مردم، دارای موقعیتی بس عظیم و نفوذی بالا بود، ولی از اختیار و قدرت خویش نه تنها سوءاستفاده نکرد، بلکه در کمال حسن ظن و از روی صداقت، ضمن تأکید بر عدم تکلیف اسلام بر غیر مسلمین، تلازم سیاست و دیانت را تبلور و تجلی عینی بخشید. وی همچنین در جلسه ۲۱۰ به سخنان خود راجع به موضوع فوق ادامه^۴ داده و در مقابل پیشنهاد وزیر جنگ در خصوص اجباری بودن اخذ قشون به استناد مذهب اسلام و قانون اساسی اظهار داشت:

«... در مذهب اسلام و در قانون اساسی فرموده‌اند این مللی که نسبت به اسلام جزء‌اند، و کأنه پناهنده اسلام هستند. فرموده‌اند آنها را اجبار نکنید و به قهر و غلبه رفتار نکنید و آنان را مجبور نکنید تا قلب‌شان راغب به شما بشود، و آنها را ناچار واگذارید، یعنی اگر میل‌شان کشید، منت‌شان را بدارید، اگر میل‌شان نکشید، آنها را اجبار نکنید...»^۵

مدرس بنا به حکم قرآن و براساس قانون اساسی، شرکت اهل ذمه (غیرمسلمانان) را

عبارت که «سیدالقوم خادمهم»^۱، مجدداً اصول اتحاد، اتفاق در امور، احترام به قانون و خدمت به خلق را مورد تأکید قرار می‌دهد و از نمایندگان مجلس می‌خواهد که از پرداختن به مسائل جزئی و بی‌اهمیت خودداری نموده و نسبت به یکدیگر رویه ترور شخصیت را در پیش نگیرند؛ زیرا این امر جدا از عدم سودمندی برای مملکت و ملت، موجب اتلاف وقت مجلس می‌گردد که قیمت یک دقیقه‌اش رادر آن زمان، (۷۰۰) تومان برآورد کرده‌اند، اما مدرس برای آن‌که اهمیت و جایگاه پرارزش و واقعی مجلس را به نمایندگان گوشزد کند، قیمت هر دقیقه آن را برابر تمام دنیا قلمداد می‌کند:

«به واسطه این که در یک دقیقه می‌شود حرفی زد و قانونی وضع کرد و نظم داد و کاری کرد که چقدر نتیجه دارد در دنیا و آخرت...»^۲

۲-۳- رعایت حقوق اهل ذمه

مدرس در جلسه ۲۰۹ مورخ ۱۱ صفرالمظفر ۱۳۲۹، ضمن بیان وجوب و حفظ مملکت و ثغور اسلام بر هر نفسی اظهار می‌دارد:

«هرکسی هر قوه‌ای دارد واجب است بر او که آن قوه را در نگاهداری مملکت اسلامی در وقت خودش به ترتیبی که امرا و رؤسای مملکت تصویب می‌کنند به کار ببرد و مدافعه بکند...»^۳

بنابراین، مدرس با آن‌که به عنوان مجتهد

۱. همان، ص ۸۲۳.

۲. همان.

۳. همان، ص ۸۹۲.

۴. صفرالمظفر ۱۳۲۹.

۵. مذاکرات مجلس (دوره دوم تفنینی)، پیشین، ص ۸۹۸.

جذب و استخدام معلمان، نسبت به تعلیم و آموزش دانش آموزان و دانشجویان ایرانی مبادرت شود؛ چرا که جدا از خارج نشدن ارز و خرج آن در داخل کشور و صرفه جویی در وقت و هزینه‌ها، با جذب معلم یا معلمان خارجی، امکان تعلیم و تربیت افراد متعددی در داخل کشور مهیا می‌شود. حال آن که تجربه نیز ثابت کرده است از دانشجویان اعزامی به خارج، معمولاً ۱۰ به یک متمر ثمر واقع می‌گردند. به علاوه، در آن دوران ظلمت و تاریکی، بیش از هر چیزی باید در آگاه نمودن و تربیت افراد تلاش می‌شد. این امر خود، گروه زیادی از معلمان مجرب و باسواد را می‌طلبید و جذب و حضور آنان در داخل کشور، تسهیل کننده این هدف و مکمل این طرح مهم و اساسی بود. بنابراین، مدرس نه تنها استخدام معلم خارجی رانسبت به فرستادن محصل به خارج، مقدم و در اولویت می‌دانست، بلکه خواستار آن بود که علوم اروپا به ایران منتقل گردد. به نظر وی این دو مقوله، یعنی استخدام معلم خارجی به منظور تعلیم و جذب و انتقال علوم مغرب زمین، برای مصلحت جامعه به قدری با ارزش و مهم است که حتی اگر به قیمت بسیار بالایی نیز تمام شود، باید انجام گیرد.

۲-۵- اهمیت اتحاد، یگانگی و همکاری

مشترک

گفتیم مدرس راه حل اصلاح مملکت را

در جنگ، منوط به اراده و تمایل خود آنها دانسته است و نه اجبار و قهر.

۲-۴- ضرورت استخدام معلم خارجی

مدرس در جلسه ۲۱۷ مورخ ۲۶ صفر المظفر ۱۳۲۹، موضعگیری خود را نسبت به دنیای علم و به ویژه علوم اروپا نشان داده و چگونگی نگرش خود را به سیستم آموزشی آن دوره ایران بیان می‌دارد، آنجا که می‌گوید:

«... باید به نحوی [عمل] کرد که

امروز [که] محتاج به علوم اروپا هستیم،

علم را به مملکت خودمان بیاوریم...

اولاً باید معلم از خارج بیاوریم، ولو

این که سالی یک کرور مخارج او

باشد. ثانیاً اگر ممکن نشود که معلم

بیاوریم، باید شاگرد برای معلمی

فرستاد... حالا شما معلم از خارج

بیاورید تا پول‌های شما تمام در

مملکت خودتان خرج بشود، و

منحصر هم نباشد به معلم ابتدایی یا

غیر ابتدایی و گمانم این است که به

مقتضای صلاح امروزه این طور بهتر

است... اگر معلم بیاورید و اولیای امور

هم مواظب باشند، سالی ۱۰ هزار، ۲۰

هزار کم است، سالی یک کرور هم

خرج آن معلمین بشود نافع است و

بهتر است از برای مملکت از این که

شاگرد به خارجه بفرستند»^۱

مدرس، عالم آگاه به زمان و سیاستمدار

با فراست و درایت، به خوبی درمی‌یابد که

صلاح ملت و مملکت در آن است که با

ریشه‌یابی علل فساد جامعه و متعاقباً رفع آن می‌داند:

«مفاسد نوعی، رافع نوعیه می‌خواهد».

یعنی برای برطرف نمودن فساد، باید ضمن آسیب شناسی موضوع، با دیدی علی و معلولی ریشه هر گونه فساد را قطع کرد. بنابراین، با قائل بودن به ضرورت اقدامی اساسی و پایه‌ای برای اصلاح مملکت، به مباینت چهار برادر موجود در آن (ایرانیان قدیم، نصارا، زرتشتیان و مسلمان‌ها) اشاره کرده و علت از دست رفتن مملکت را در همین تشتت و ضدیت میان آنها می‌داند و به منظور رفع این معضل، لزوم تعاون، همکاری و اشتراک مساعی تمام ملل موجود در ایران را برای خدمت به مملکت خودشان مطرح می‌کند:

«تمامی مللی که در ایران هست، همه باید با هم مشغول خدمت به مملکت خودشان بشوند تا این مفاسدی که در این مملکت هست رفع شود».^۱

اعتقاد به اتحاد و یگانگی چهار فرقه موجود در جامعه و لزوم همکاری مشترک آنها برای خدمت به مملکت، علی‌رغم اختلافات مذهبی و عقیدتی میان آنها، اوج بصیرت و معرفت مدرس را می‌نمایاند. چه، وی آگاهانه به سه اصل مهم دین، ملت و وطن باور دارد و اختلاف و تعدد عقیده را امری نظری پنداشته و نسبت به نظر هر فرد یا فرقه‌ای به دیده احترام و متانت می‌نگرد، لذا نمی‌تواند این امر (اختلاف و تباین

عقیده) را به عنوان عاملی جهت توجیه عدم اتحاد و یکپارچگی بپذیرد.

بنابراین، باسعه صدر و وسعت نظر، تمام فرقه‌های مذهبی ساکن در ایران را برادر و متحد قلمداد نموده و رفع مفاسد و ناپهنجاری‌های جامعه را در خدمت گروهی آنها به کشور می‌داند. وی به خوبی واقف است که قانون‌گرایی و قانون‌مندی با هم متفاوت بوده و دو مرحله جدا از هم هستند. قانون‌گرایی لزوماً به مفهوم قانون‌مندی نیست. لذا باید چاره‌ای اندیشید که این دو در شکلی واحد، یعنی قانون‌مندی تجلی و تبلور یابند. در این جاست که مدرس بر تعیین مجازات برای هر قانونی به هنگام وضع آن، به منظور لازم الاجرا شدن و قطعیت یافتن و همچنین التزام مردم نسبت به رعایت و احترام بدان تأکید داشته و وضع قانون بدون مجازات و ضمانت اجرا را صرفاً یک دستورالعمل اخلاقی تلقی می‌کند که فاقد ضمانت اجرایی است.

۲-۶- شرایط و وظایف نمایندگان مجلس و مسئولان کشور

عقیده مدرس راجع به تعداد نمایندگان حوزه‌های انتخابی مبتنی بر این است که:

«وکلاى منتخب باید به گونه‌ای باشند که فایده داشته باشند... هر قدر هم کم‌تر باشند،... بهتر است».^۲

۱. همان، ص ۹۷۸.

۲. مذاکرات مجلس (دوره دوم تقنینیه)، پیشین، ص ۱۵۸۲.

مشروط به محترم شمردن حقوق کسی که زحمت کشیده و محصول به عمل آورده است، می‌داند^۱ و در ادامه همین روند، در جلسه ۳۱۳ مورخ ۳ ذی‌قعدة ۱۳۲۹، ضمن آرزوی ترقی اقتصادی و صنعتی کشور با مساعدت دولت، اظهار می‌دارد:

«اولیای امور از هیئت وزرا و وکلای ملت و سایرین، باید کمال مساعدت و پشتیبانی را نسبت به سرمایه‌گذاری بخش داخلی و کالاهای خارجی مبذول دارند»^۲.

۲-۷- اهمیت رأی اکثریت

از جمله مسائل بسیار مهمی که مجلس دوم در حیات خود با آن مواجه شد، مسئله تمدید دوره مجلس بود. در این مورد نمایندگان مجلس، نظرات مثبت و منفی عدیده‌ای را مطرح می‌کنند، ولی مدرس با توجه به مصلحت کشور و نیز بر اساس قانون اساسی، به تجزیه و تحلیل آن می‌پردازد و راه حل قانونی تمدید مجلس را در رضایت یا عدم رضایت عموم موکلان می‌داند. به نظر وی تنها راه حل قانونی در این مورد، مراجعه به رأی اکثریت مردم

۱. مدرس در آن جلسه چنین اظهار می‌دارد:

بنده عقیده‌ام این است که اگر آقایان صلاح بدانند خوب است نحوی رفتار کنند که خودمان را تقلیل نکنیم. تکثیر کنیم. اقل دسته دسته به شهادت از خودمان جدا نکنیم. به واسطه این که اگر دسته دسته از خودمان جدا نکنیم، کم می‌شویم...»

همان، ص ۱۷۵۶.

۲. محمد ترکمان، آراء، اندیشه‌ها و فلسفه سیاسی مدرس، (تهران، نشر هزاران، ۱۳۷۴)، چاپ اول، ص ۳۲.

۳. صورت مذاکرات مجلس، ص ۱۷۹۴.

وی همچنین ملت را اصلی مشترک در بین مذاهب موجود در جامعه تلقی نموده و می‌گوید که مذاهب مختلف ممکن است دارای یک ملت باشند، اگر چه خصوصیات نژادی آنها متفاوت باشد، اما تأثیری بر انتخاب نماینده ملت ندارد؛ چرا که:

«اختلاف نژاد باعث اختلاف ملت

نمی‌شود».

علاوه بر این، به نظر وی نماینده منتخب مردم باید معروف به فساد عقیده و متجاهر به فسق نباشد. مدرس بر این باور است که نماینده نه تنها باید معروف به فساد نباشد بلکه باید متجاهر به فسق نیز نباشد و آن را اصلی کلی برای تمام ملل می‌داند. دغدغه و حساسیتی که وی نسبت به اتحاد وکلا و رفع افتراق و واگرایی نشان می‌دهد، در خلال صحبت‌هایش در جلسه ۳۰۹ مورخ ۲۵ شوال ۱۳۲۹ به شکل جدیدی تبلور می‌یابد.^۱ وی به خوبی می‌داند که مجلس به عنوان جایگاه تبلور اراده مردم، باید تجلی‌گاه اتحاد و عدم تفرقه باشد. همگرایی و یکپارچگی موجب تقویت مجلس و واگرایی، تعدد و تشتت سبب تضعیف آن می‌گردد. لذا ضمن بیان تذکری، از نمایندگان می‌خواهد که همدیگر را حمایت کرده و از تضعیف یکدیگر پرهیزند.

مدرس وظیفه مسئولان کشور را جدای از اجرای قانون اساسی، در «تعمیر البلاد و تأمین العباد» می‌داند. وی راه اصلاح کشور را منوط به آبادانی و آبادانی و تولید را نیز

تقریباً تعداد ۳۳۳ جلسه در طول حیات مجلس دوم ثبت شده است و مدرس در بیش از ۱۳۳ جلسه (از جلسه ۱۹۵ به بعد) حضور یافت. در این مدت، در ۵۶ جلسه و بیش از ۸۰ بار به ایراد سخن پرداخت. آمار فوق‌گرفته تقریبی است، با این وجود، بیانگر وضعیت نمایندگی و چگونگی جهت‌گیری‌ها، حساسیت به امور و مسئولیت‌پذیری وی در مجلس است. مدرس در خلال مدت نمایندگی در دوره دوم مجلس شورای ملی، جز بر اساس احکام شرع، قانون اساسی و در نهایت، مصلحت ملت و مملکت سخنی نگفته و عملی انجام نداد و به حق، مصداق بارز نظری و عملی قانون‌داری و قانون‌مندی بود.

فهرست منابع

- ۱- ترکمان، محمد. آراء، اندیشه‌ها و فلسفه سیاسی مدرس، تهران، نشر هزاران، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- ۲- ترکمان، محمد. مدرس در پنج دوره تقنینیه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، جلد اول، ۱۳۷۰.
- ۳- مدرسی، علی. «زندگینامه مدرس»، سمینار مدرس و تحولات سیاسی تاریخی معاصر ایران، مجلس شورای اسلامی، آذرماه ۱۳۷۴.
- ۵- مدرسی، علی. «مدرس، مجلس، تاریخ»، مجلس و پژوهش، شماره‌های ۱۶-۱.
- ۶- مذاکرات مجلس (دوره دوم تقنینیه)، تهران، چاپخانه مجلس، ضمیمه روزنامه رسمی کشور، قسمت اول و دوم.

□ □ □

است. با این وجود، مدرس بیان می‌دارد که چون طریقه قانونی (رای اکثریت ملت) در این زمینه حاصل نشده است، لذا باید به مقتضای مصلحت عمل کرد و بررسی نمود که تمديد دوره مجلس به صلاح مملکت است یا نه؟ و آیا تداوم مجلس برای اساس مملکت سودمند و دارای فایده است یا خیر؟

با این وجود، مدرس نیز مانند بسیاری از نمایندگان مجلس، نظر به تمديد و استمرار مجلس دارد؛ چرا که صلاح و مصلحت مملکت را در آن می‌بیند و با وجود آن که به باور وی، مصالح بر بقای مجلس مترتب است، اما تأکید می‌کند که این امر نباید به قیمت زیر سؤال رفتن مجلس به لحاظ قانونی و رسمی بودن و همچنین اعتراض به اساس مشروطیت تمام شود. بنابراین، اظهار می‌دارد به گونه‌ای باید عمل کرد که هدف مورد نظر تأمین گردد، یعنی ضمن آن که دوره مجلس تداوم می‌یابد و مصالح کشور حاصل می‌شود، باید رسمیت و قانونیت این امر از نظر موکلان و مردم نیز لحاظ شده و مورد تأیید واقع گردد.

۳- نتیجه‌گیری

مدرس از جلسه ۱۹۵ مجلس شورای ملی (دوره دوم) در آن حضور یافت. تا چندین جلسه به ارزیابی و مطالعه وضعیت مجلس و نمایندگان آن پرداخت و اولین نطق خود را در جلسه ۲۰۰ مورخ ۱۹ محرم الحرام ۱۳۲۹ ایراد کرد. لازم به یادآوری است که